



مدیریت دارکوبی

علی منتظرالظهور

داستانی از استمرار و پیگیری در مسیر موفقیت

در دل هیاهوی زندگی پرمشغله امروز، گاه فراموش می‌کنیم که کلید موفقیت، نه در استعدادهای خارق‌العاده، بلکه در استمرار و پیگیری خستگی‌ناپذیر است. داستانی که در ادامه می‌آید، گواهی بر این مدعاست.

سال‌ها پیش، در یکی از شرکت‌های بزرگ تولیدی، مدیری داشتم که زمانی که خسته و ناامید پیش وی می‌آمدیم همواره مرا به روش دارکوبی توصیه می‌کرد. او می‌گفت: "مانند دارکوب باش. خسته نشو و مرتب بزن تا مسیر، هر چقدر هم که سخت باشد، باز شود." ابتدا، این تشبیه برایم کمی عجیب بود. دارکوب، پرنده‌ای کوچک که با نوک خود ساعت‌ها به تنه درخت می‌کوبد، چه ارتباطی با موفقیت در کار و زندگی داشت؟ اما با گذشت زمان، معنای عمیق این تشبیه را فهمیدم.

دارکوب، نمادی از استمرار، پشتکار، خستگی‌ناپذیری و تاب آوری است. او ساعت‌ها، روزها و حتی هفته‌ها به یک نقطه ضربه می‌زند تا بالاخره راهی برای خود باز کند. او نه از سختی راه می‌ترسد و نه از اینکه دیگران او را کند یا بی‌اهمیت بدانند. او فقط به هدف خود فکر می‌کند و تا رسیدن به آن، دست از تلاش برنمی‌دارد.

این درست همان چیزی است که در مسیر رسیدن به اهداف سازمانی و فردی به آن نیاز داریم. بسیاری از ما، در ابتدای راه، با انگیزه و انرژی فراوان شروع می‌کنیم. اما با گذشت زمان و مواجهه با مشکلات و موانع، خسته می‌شویم و از ادامه راه باز می‌مانیم.

در حالی که، اگر مانند دارکوب، استمرار داشته باشیم و به طور مداوم و پیگیرانه به تلاش خود ادامه دهیم، بالاخره می‌توانیم هر مانعی را از سر راه خود برداریم و به هدف خود برسیم.

به یاد دارم، در یکی از پروژه‌های بزرگ شرکت، با مشکلات زیادی روبرو شده بودیم. تیم ما، که از افراد با استعداد و با تجربه تشکیل شده بود، پس از چند هفته تلاش بی‌وقفه، به بن‌بست رسیده بود و همه احساس ناامیدی می‌کردند.

در این لحظه، به یاد حرف‌های مدیرم افتادم. به همکارانم گفتم: "مانند دارکوب باشید. خسته نشوید و به تلاش خود ادامه دهید. ما می‌توانیم این مشکل را حل کنیم."

با تشویق و همدلی یکدیگر، دوباره شروع به کار کردیم. هر کدام از ما، مانند دارکوبی کوچک، به سهم خود در حل مشکل تلاش کرد. برخی از ما به دنبال راه‌حل‌های جدید بودیم، برخی دیگر با مشتریان و تامین‌کنندگان صحبت می‌کردیم و برخی دیگر به بررسی و تحلیل داده‌ها می‌پرداختیم.

پس از چند هفته تلاش بی‌وقفه، بالاخره راه حلی برای مشکل پیدا کردیم و پروژه با موفقیت به پایان رسید. در آن لحظه، همه ما احساس غرور و رضایت داشتیم.

در تجربه ای دیگر روی پمپی بزرگ کار می‌کردیم و در مرحله ماقبل آخر عملیات مونتاژ گیر افتاده بودیم و کار می‌کردیم شافت پمپ در پوسته جا نمی‌رفت، ماجرا ساعتها طول کشید و حدود ۴ ساعت تلاش بی نتیجه مانده بود، نفرات خسته عصبی و ناامید بودند،

برای لحظاتی یاد مدیریت دارکوبی افتادم و به همکاران یک استراحت دادم و گفتم بروید و شام بخورید و دوباره بیاید. این وقفه به من اجازه داد که با تامل و از دور به مشکل نگاه کنم و در این زمان بود که راهحلی به نظرم رسید و با آمدن دوباره همکاران راه حل را در میان گذاشتم و مشکل حل و جشن گرفتیم. آنجا مرتب یک چیز را با خودم مرتب تکرار می کردم مانند دارکوب ادامه راه باز خواهد شد .

این تجربه ها و مشابه آن به من آموخت که استمرار و پیگیری، نه تنها در کار، بلکه در تمام جنبه های زندگی، کلید موفقیت است. اگر می خواهیم در زندگی به اهداف خود برسیم، باید مانند دارکوب باشیم. خسته نشویم، از مشکلات و موانع نترسیم و به طور مداوم و پیگیرانه به تلاش خود ادامه دهیم.

به قول شاعر:

"رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود"

این داستان های واقعی، نمونه ای از قدرت استمرار و پیگیری در رسیدن به اهداف است. امیدوارم که این داستان ها الهام بخش شما باشد و به شما کمک کند تا در مسیر موفقیت، مانند دارکوب، خستگی ناپذیر و تاب آور و پیگیر باشید.

تهیه و تدوین : علی منتظرالظهور ۱۴۰۳